



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، بعد از برج نگار، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴  
مجموعه ادب فکر -

شریعت، عرف، و عقلانیت  
محمدتقی فاضل میبیدی  
طرح جلد: واحد گرافیک هرمس  
چاپ اول:  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی:  
همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: فاضل میبیدی، محمدتقی، ۱۳۳۲-  
عنوان و نام پدیدآور: شریعت، عرف، و عقلانیت، مجموعه مقالات / محمدتقی فاضل میبیدی.  
مشخصات نشر: تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.  
فروست: مجموعه ادب فکر -  
شاپک: ۹۰۳ - ۹۰۳ - ۳۶۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: قیبا  
موضوع: اجتهاد و تقلید - مقاله‌ها و خطابه‌ها  
موضوع: فقه - بررسی و شناخت - مقاله‌ها و خطابه‌ها  
موضوع: اسلام - تجدید حیات فکری - مقاله‌ها و خطابه‌ها  
موضوع: اسلام - قرن ۲۱ م. - مقاله‌ها و خطابه‌ها  
رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۳ ش ۲ ف / ۱۶۷ PB  
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷ / ۳۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۱۹۹۶

## فهرست

پیشگفتار	۱
انسان، ادیان، ارتداد	۵
ذبیحه اهل کتاب	۲۷
سیره صلح‌جویانه پیامبر (ص)	۵۱
شریعت، اجتهاد، و عقلانیت	۶۷
فلسفه وجودی ماههای حرام و آیا قانون تغلیظ دیه در مرگهای تصادفی درست است	۱۱۷
رابطه دین و عرف	۱۲۵
عقل دینی و عقل فلسفی	۱۵۱
تعامل فقها با بناهای عقلایی در جهان امروز	۱۷۵
جایگاه زن در ادای شهادت از منظر فقه اسلامی	۱۹۱
نگاه اصلاحی به حقوق زنان	۲۰۹
واژه «رجل» و «رجال سیاسی» در روایات، فقه، و قانون	۲۲۱
آیت... طالقانی اسلام را در ظرف زمان می‌دید	۲۳۱
کتابنامه	۲۴۹

## پیشگفتار

---

در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن مفاهیم تازه‌ای چون حقوق بشر، آزادیهای سیاسی، دموکراسی، حقوق مدنی، فلسفه‌های مضاف از قبیل فلسفه دین و فلسفه اخلاق، و مفاهیم دیگری در عرصه‌های علوم انسانی روییده و همواره رو به بالندگی است. سخن گفتن از منشأ دین، تجربه دینی، زبان دین، پلورالیسم دینی، مسائل ذاتی و عَرَضی دین و امثال آن در گذشته به مانند امروز مطرح نبوده و در دانش کلام یا دین‌شناسی جایی نداشته است. انسان دیندار عصر امروز که با این مفاهیم نو مواجه می‌شود، در بادی امر پاره‌ای از آنها را با باورهای دینی خود در تضاد می‌بیند و نمی‌داند از این باورها دست بشوید یا این مفاهیم مدرن را نامشروع و ناسازگار با یافته‌های کلامی و فقهی قلمداد نماید؟ هنوز این مسئله برای دین‌اندیشان متجدد و نوگرا به نحو کامل حل نشده و همچنان عالمان حوزه‌های علوم دینی را به چالش می‌کشد. در میان نفی یکی از این دو راه و اثبات دیگری، راه سومی که دینداران نواندیش دنبال می‌کنند تجدید نظر و یا بازنگری و بازسازی در مبانی کلامی و فقهی است که از گذشته به دست ما رسیده است. حتی اگر تمامی مفاهیم مدرن را نادرست و در تضاد با دین بدانیم و حقوق بشر، دموکراسی، انتخابات، احزاب، حقوق زنان و... را زائیده اندیشه ملحدانه و یا اومانیستی بدانیم، نباید بر معتقدات گذشته خود که زائیده اندیشه متکلمان و فقهاست پای بفشاریم و هر راهی را برای بازنگری بر خود ببندیم، و دلیلمان این باشد که این اندیشه‌ها عین دین است و قداست و جزمیت آن تغییرناپذیر است و باید آنها را پذیرفت. بدیهی است که اگر این جزمیت را دنبال نماییم مشکل دینداری نسل امروز در مواجهه با این مفاهیم مدرن حل نمی‌شود و خیلی از پرسشها بی‌پاسخ می‌ماند و حوزه ناباوری گسترده‌تر می‌شود.

یک قرن پیش، مرحوم اقبال لاهوری می‌گفت اندیشه اسلامی پانصد سال است که دچار رکود است، باب اجتهاد که ریشه در اندیشه اصیل دینی دارد بسته شده است و این خود باعث رکود اندیشه در جوامع اسلامی شده است. مرحوم شهید مطهری دو خطر جمود و جهالت را مانع توسعه اسلام می‌دانست و پیشنهاد می‌کرد فکر دینی ما باید از بدعتها، خرافات، و تحریفها اصلاح شود و اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود. کسانی چون مطهری و اقبال بر این نظر بودند که می‌توان با بازنگری و اجتهاد در اصول و با حفظ سنتها و مبانی دینی با مدرنیته در خیلی از مفاهیم انسانی کنار آمد، چراکه هم معارف اسلامی موجود و هم مدرنیته، هر دو، قابل نقد است. این بزرگواران نمی‌گفتند در دین اجتهادی صورت نگرفته است، بلکه بر این باور بودند که اجتهادها پس از دوران نوگرایی متناسب با زمان نبوده و در مقام پاسخ به شبهات بر نیامده است.

اجتهاداتی که در گذشته صورت گرفته و اکنون نیز ادامه دارد، هم از جهت معرفت‌شناسانه و هم از نگاه هرمنوتیکی، قابل نقدهای جدی است. اینکه فهم فقیهان و متکلمان را عین دیانت بدانیم و آن را قدسی تلقی کنیم و جایی برای چون و چرا نگذاریم، ادعای پذیرفته‌ای نیست. شک نیست که غالب فقیهان در گذشته با یک سلسله پیش‌فرضهای جزمی و قطعی و شرایط تاریخی و جغرافیایی خاص سراغ کتاب و سنت رفته‌اند، و آنچه را که فهمیده‌اند حقیقت شمرده‌اند. بنابراین یکی از مباحث مهمی که در کنار فقه طرح آن ضروری است، بحث تاریخ فقه و در کنار آن بحث فلسفه فقه است. فقیه امروزی باید تاریخ فقه را بداند و در اجتهاد خود فلسفه فقه را مدنظر داشته باشد. از امتیازات آیت‌الله بروجردی این بود که فقه را با زمینه‌هایی که در آن شکل گرفته بود به بحث می‌گذاشت و از زوایای تاریخی آن غافل نمی‌ماند. برخی از گذشتگان چون ابوحامد غزالی (متوفای ۵۰۵ هـ)، فخرالدین رازی (متوفای ۶۰۶ هـ)، و شاطبی (متوفای ۷۹۰ هـ) و کسان دیگر بحث اهداف فقه و مقاصد پنجگانه یا ششگانه شریعت را به میان کشیده‌اند و آن را در حوزه اجتهاد دخالت داده‌اند. اما چنین کاری در حوزه فقه شیعی رونق نیافته است. نکته دیگر این است که دستگاه فقهی و کلامی ما بیشتر بر

نصوص استوار شده و عقل، هرچند، از منابع اجتهاد به شمار می‌آمده ولی در عمل جز برای فهم نص کاربردی نداشته است. عالمان شیعی همانند معتزله احکام را تابع مصالح و مفاسد می‌شمارند و بعضی از آنان این مصالح و مفاسد در بخش امور غیرعبادی را قابل کشف می‌دانند، با این حال پاره‌ای از احکام، به ویژه در زمینه کیفری، در این روزگار تابع مصالح و مفاسد عقلانی نیست و با استدلال بر نصوص اجرا می‌شود. بر فرض که مفاسد و مصالح را مبنای احکام بدانیم، روشن نیست که چه کسی باید مصالح و مفاسد را تعیین کند. آیا فقیه خود این کار را عهده‌دار است و یا شورای فقهاتی و یا شورای کارشناسی در هر بخش این کار را عهده‌دار می‌شود؟ در هر صورت تعیین مصالح و مفاسد در امور اجتماعی از تشخیص فرد خارج است و این از مزایای نواندیشی در عرصه اجتهاد در فروع است که فقیهان باید اجتهاد فردی را کنار بگذارند و افکار خارج از حوزه را به سفره اجتهاد دعوت نمایند. در این روزگار اظهار رأی پیرامون مسائلی که به اقتصاد مربوط می‌شود، و یا صدور فتاوایی که به مجازاتها برمی‌گردد، بدون کارشناسان مسائل اقتصادی و حقوقی و جرم‌شناسی میسر نیست. همچنین اگر روزگاری بحث اهل ذمه مطرح بود و غیرمسلمانان صاحب کتاب چون نصرانی‌ها و یهودی‌ها و مجوسی‌ها برای زندگی در کشور اسلامی باید عقد ذمه می‌بستند، امروز در تمام کشورها - مسلمان و غیرمسلمان - تنها مسئله شهروند بودن مطرح است و در کشورهای مسلمان مرزی برای مسلمان و غیرمسلمان مطرح نیست. در حوزه مسائل مربوط به زنان نیز چنین است. پاره‌ای از تکالیف و مسائلی که در گذشته مطرح بود در این زمان باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. انحصار حق طلاق و یا حق قضاوت برای مردان و یا محروم بودن زنان از پاره‌ای از شهادتات براساس فتاوی پیشین، در این روزگار قابل اجرا نیست. بدیهی است که حوزه‌های علوم دینی در مواجهه با این مسائل نمی‌توانند به شیوه گذشته پاسخگو باشند.

کتابی که پیش روی خوانندگان است حاوی مقالاتی است که به پاره‌ای از دغدغه‌های فوق می‌پردازد و سعی کرده است با موازین کلامی و فقهی و روشهای عقلایی برخی از مسائل را به بوتۀ نقد بگذارد. هرچند احیاء اندیشه دینی و بازنگری در احکام را به چند مسئله نمی‌توان محدود کرد، اما پیمودن این راه،

هرچند یک گام، می‌تواند گره‌گشا باشد. بر این باورم که شریعت اسلامی، با عنایت به عرف عقلا و دعوت به تعقل و حفظ مصالح و قوه محرکه اجتهاد، می‌تواند در همه زمینه‌ها در این زمان نجات و سعادت بشر را تأمین نماید و از دستگاه حقوقی زمان پیشی بگیرد، مشروط بر این که از حالت، تنها، نص‌محوری خارج شود و عقل و عرف زمان را، و به تعبیر مرحوم امام خمینی (ره) زمان و مکان را، در اجتهاد دخالت دهد.

## انسان، ادیان، ارتداد

خلق همه سر به سر نهال خدایند  
هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بشکن<sup>۱</sup>

هزار چندگاهی شنیده می‌شود که در دیار مسلمانی کسی را به جرم تغییر عقیده، با عنوان ارتداد، به اعدام محکوم می‌کنند. و در پی آن، به ویژه طرفداران حقوق بشر، پاره‌ای کشورها در مقام ممانعت از این حکم مواضع تنیدی اتخاذ می‌نمایند. لازم دانسته شد با نگاهی دوباره به مبانی این فتوا ببینیم آیا می‌توان کسی را به صرف تغییر عقیده به تیغ اعدام سپرد و اصل عدالت، آزادی، و حفظ حیات انسانی که اسلام بر آن پای فشرده است را نادیده انگاشت؟ به عنوان مقدمه:

۱. تمدنی که انسان امروز وارث آن است از سرچشمه‌های اساطیر اولیه و گرایشهای ماورائی صبحدم تاریخ و اعتقادات گونه‌گون روییده است و به قول پلوتارک، مورخ یونانی، هیچ تمدنی خالی از خاستگاه دینی و اعتقادی از بستر تاریخ برنخاسته است. اگر دغدغه‌های دینی و احساسات آیینی و مذهبی در سلوک آدمیان نمی‌بود آداب و رسوم و تمدن و علوم نمی‌رست. بنیان این کلام به این باز می‌گردد که دین و آیین ماورائی پدیده‌ای فطری و همزاد با آدمیان است و انسان نخستین به نیروی رازآلودی که نگاهدارنده زمین، آسمان، و سراسر

۱. ناصر خسرو.

زندگی است عمیقاً احساس و ایستگی می‌کرد. انسانهای اولیه عموماً به نیروهای فراطبیعی باور داشتند. بسیاری از باورهای فرهنگی از این نوع گرایشها سرچشمه گرفته است، زیرا اگر تمام پرسشهای آدمی در زوایای علوم پاسخی بیابد، این سؤال که آغاز و انجام جهان چیست و خاستگاه و جایگاه انسان کدام است همواره از نگاه علوم بی‌پاسخ است و یا پاسخ روشن و یکدستی ندارد.

بنابراین انسان برای اینکه آغاز و انجام خود و جهان را بداند و برای پرسشهای اولیه خود پاسخی بیابد، فطرتاً آیین ماورائی را برای خود برمی‌گزیند و جواب این سؤال را در آن سوی طبیعت و از ادیان مورد پذیرش خود می‌جوید. «دکارت هیچ‌گاه در عرصه «امر ممتد» تماماً مکانیکی نمی‌اندیشید و با وجود آن که می‌خواست همه چیز را بر تصورات واضح و متمایز بنا کند، پای هیولایی مبهم و خردناپسند به نام انزوا را در علم باز می‌کند.»<sup>۱</sup>

۲. از پدیده‌های غیرقابل انکار، حضور ادیان مختلف و ملل و نحل گوناگون در تاریخ آیین آدمیان است. اینکه از سپیده‌دم تاریخ تاکنون چه تعدادی دین به وجود آمده است برای مورخان ادیان روشن نیست و هیچ دینی نتوانسته است ادیان دیگر را نسخ کند و خود را دین غالب و برتر قرار دهد.

میتولوژی، علم الاساطیر، نشان می‌دهد افسانه‌هایی که بشر راجع به خلقت عالم و آدم و آغاز و انجام عالم داشته و یا افسانه‌هایی که از خدا و خدایان حکایت می‌کرده است، در میان فرق و اقوام یکسان نبوده و هر قومی با زبان خود و نوع نگاه خود به ناز و نیاز نشسته و اقوام هیچ‌گاه به دنبال این نبوده‌اند که نوع گرایش خود را به دیگری تحمیل کنند؛ البته هر دینداری ممکن است دین خود را حق بداند و ادیان دیگر را باطل، اما اگر فرق و اقوام به دنبال تحمیل عقاید برمی‌آمدند فرجام آن جنگهای خونینی می‌شده که در میان ادیان و مذاهب رخ می‌نموده است.

به تعبیر قرآن کریم:

«لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجاً»<sup>۲</sup> (ما برای هرکدام از شما آیین و طریقه‌ای روشن قرار دادیم.)

۱. عبدالکریم سروش، مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، مقدمه، ص ۱۱. ۲. مانده / ۴۷.

و در آیه دیگر:

«وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»<sup>۱</sup> (این نوع اختلافات برافکندنی نیست.)

عارفان، که بر این نکته خوب تطفن یافته بودند، مرزهای ادیان را مانند دیواره‌هایی می‌دانند که وجودش مجازی ولی ضروری است و چون آن را برگیری حقیقت واحدی بیش نخواهد ماند.

همچو آن یک نور خورشید سما	صد بود نسبت به صحن خانه‌ها
لیک یک باشد همه انوارشان	چون که برگیری تو دیوار از میان
ده چراغ ار حاضر آری در مکان	هریکی باشد به صورت غیر آن
فرق نتوان کرد نور هریکی	چون به نورش روی آری بی‌شکی
اطلب المعنی من الفرقان قل	لا نفرق بین آحاد الرسل <sup>۲</sup>

بنابراین، از نگاه عرفان، جنگ وجدالهای مذهبی حاصل نظرهای کوتاهی است که آدمیان به ادیان و مذاهب دارند، اما هرکس در این جهان قصه شوق خود را به زبانی می‌سراید:

پیش ماسوختگان مسجد و میخانه یکی است	حرم و دیر یکی، سبجه و پانه یکی است
این همه جنگ و جدل باعث کوتاه‌نظری است	گر نظر پاک کنی کعبه و بتخانه یکی است
هرکسی قصه شوقش به زبانی گوید	چون نکو می‌نگرم حاصل افسانه یکی است <sup>۳</sup>

به تعبیر مولوی:

هندیان را اصطلاح هند مدح      سندیان را اصطلاح سند مدح

مهم این است که در هر سری، سرّی از خدا باشد و در برابر او به تضرع و تحیر بنشینند:

گر مرشد ما پیر مغان شد چه تفاوت      در هیچ سری نیست که سرّی ز خدا نیست<sup>۴</sup>

۱. هود / ۱۱۸. ۲. مولوی، دفتر اول. ۳. عماد خراسانی. ۴. حافظ.